

## کلیسا و بازگشت مسیح درس ۵: آیین‌های کلیسایی دکتر آر. سی. اسپرول

تقریباً ۳۵ سال پیش به خدمت منصوب شدم، اما در مورد من، اون روزها، چنان که هنوز در اکثر کلیساها هم همین‌طور، می‌تونستید به یک یا دو مقام متفاوت منصوب بشید. شخص می‌تونست به خدمت شبانی یا تعلیم منصوب بشه و چون خواندگی من از سوی یک کلیسا نبود، بلکه از یک دانشگاه بود که استاد بشم، برای خدمت تعلیم منصوب شدم، نه خدمت شبانی.

اما در کلیسای ما، وقتی منصوب می‌شدید، جدا از مشخصات خواندگی، همه‌ی اختیارات و مزایای مربوط به شخص منصوب شده رو دریافت می‌کردید، یعنی حالا من در کلیساهامون اختیار داشتم آیین‌های کلیسا رو اجرا کنم. اما اکثر وقت‌ها که در خدمت بودم، این فرصت رو نداشتم که از این امتیاز اجرای آیین‌های برخوردار بشم. اما حالا این جا یک کلیسای محلی کوچک در فلوریدا دارم و در جماعت کوچک ما، این فرصت رو داشتم که ماهی یک بار شام خداوند و بارها آیین تعمید رو اجرا کنم.

و نمی‌تونم بهتون بگم چقدر این برای من به عنوان خادم لذت بخشه که در این قسمت از اجرای آیین‌ها باشم. حالا متوجه میشم که اگه بخشی از الهیات ما که مباحثه‌ای بی پایان رو برانگیخته که در موردش توافق خیلی کمی بین مسیحیان هست، مربوط به آیین‌ها میشه.

و از یک طرف، این خیلی دردناکه که بپذیریم مسیحیان نمی‌تونند در مورد مفهوم و ثمربخشی و بسیاری از مسائل دیگه درباره‌ی به توافق برسند، اما روی دیگه‌ی این سکه، اینه که یک چیز خوب در این مورد هست. یکی از دلایلی که مسیحیان درباره‌ی آیین‌ها خیلی مباحثه می‌کنند، اینه که اون‌ها آیین‌ها رو به عنوان یک موضوع خیلی جدی می‌بینند.

در واقع، این یکی از دلایلی هست که اون‌ها رو آیین‌های کلیسایی می‌نامند. ما این چیزها رو عطایای مقدس می‌دونیم که مسیح به کلیساش داده. من قبلاً در درس‌مون درباره‌ی آموزه‌ی کلیسا گفتم در نهضت اصلاحات، یکی از سه نشانه‌ای که به عنوان نشانه‌های واقعی یک کلیسای معتبر در نظر گرفته شد، اجرای صحیح آیین‌ها بود.

و دوباره، اکثر مباحثات قرن ۱۶ بر اساس آیین‌ها بود. بسیاری تشخیص نمیدن که مسائل زیربنایی یا مسائلی که در پس آموزه‌ی عادل شمردگی بود، بحث درباره‌ی عملکرد آیین توبه در کلیسای کاتولیک روم بود. حالا همون‌طور که گفتم، بخش‌های بسیاری هست که مسیحیان مشغول مناظره درباره‌ی آیین‌ها میشن، درباره‌ی نحوه‌ی اجرای اون‌ها، کسانی که اجازه دارن شرکت کنن، این که چه کسی می‌تونه اون‌ها رو اجرا کنه. اما یکی از مناظرات کلاسیک، صرفاً تعداد آیین‌ها بود.

مثلاً در کلیسای کاتولیک روم، این کلیسا هفت آیین داره که در اکثر کلیساهای پروتستان، این عدد به دو کاهش یافته. حالا بیایید یک دقیقه به هفت آیین کلیسای کاتولیک روم بپردازیم. اول از همه، برای درک این که چرا هفت آیین هست. کلیسای روم، هریک از آیین‌ها رو به طرز بسیار مهمی، به عنوان ابزار فیض می‌دونه.

یعنی، در این آیین‌ها یا احکامی که در کلیسا رعایت میشه، در هریک از اون‌ها، فیض به لحاظ آیینی بر جان دریافت کنندگان ریخته یا القا میشه. و همون‌طور که توماس آکویناس در زمان خودش گفت، هفت آیین کلیسایی، هر شخص یا عضو رسمی کلیسا رو در مسیر زندگی، برای مراحل مشخص گوناگون آماده می‌کنه.

خوب، واضحه که اولین آیین کلیسایی که عضو رسمی کاتولیک روم دریافت می‌کنه، آیین تعمیده، که در رابطه با فرزندان کاتولیک‌ها، برای نوزادان اجرا میشه. و آیین تعمید، توسط کلیسای کاتولیک روم به عنوان اولین آیین شناخته میشه که در اون، فیض به جان القا یا ریخته میشه، که فیض عادل شمردگی هست.

یعنی اگه این شخص متعاقباً همکاری کنه و به این فیض برسه، می‌تونه به جایگاه عدالت آورده بشه که از این طریق، خدا اون رو عادل اعلام خواهد کرد. و فیضی که با آیین تعمید اعطا میشه، فیضی هست که کلمه‌ی "اکس آپوره آپوراتو" رو براش به کار می‌بره.

حالا، این فرمول در کلیسای کاتولیک روم برای همه‌ی آیین‌ها به کار می‌ره. همه‌ی آیین‌ها، "اکس آپوره آپوراتو" رو به کار می‌برن که به طور تحت اللفظی یعنی "از طریق عملکرد کارها". به نظرم گاهی اوقات، پروتستان‌ها به طرز نادرستی، درباره‌ی این عملکرد آیین‌های عملی "اکس آپوره آپوراتو" شون اینطور گفتند که آیین‌ها خود به خود عمل می‌کنند. حالا، این کاملاً درست نیست.

این ایده‌ی ثمربخشی خود به خود، به جز این که روم به وضوح می‌گه اون‌ها عمل خواهند کرد و این فیض اعطا شده در آیین رو منتقل خواهند کرد، اگه مانع یا بازدارنده‌ای از طرف دریافت کنندگان نباشه. اینطور نیست که قدرت آیین در شخص ساکن میشه و این قدرت به طور خود به خود منتقل میشه، مگر این که مانع الزام‌آوری باشه که دریافت کننده، مانعش بشه.

اما در هر مورد، تعمید، آغاز راهه و با دریافت این آیین، مردم نه تنها القای فیض رو دریافت می‌کنند، بلکه چیزی رو دریافت می‌کنند که روم، نشانه‌ی زایل نشدن می‌نامه که بر جان قرار گرفته. اون رو "شخصیت زایل نشدن" می‌نامند، پس این نشانه‌ی روحانی، بچه‌ای که آیین رو دریافت می‌کنه چنان علامتگذاری می‌کنه، که حتی اگه این شخص بعداً همه‌ی فیضی رو که از آیین به دست آورده، از دست بده و نجاتش رو از دست بده، عادل شمردگیش رو از دست بده، دوباره تعمید نمی‌گیره، چون یک بار برای همیشه تعمید گرفته.

و این تعمید اولیه، جانش رو به عنوان بچه‌ای علامت گذاری کرده که این فیض اولیه رو دریافت کرده و هرگز نباید مجدداً تکرار بشه. حُب، ما در نظام کاتولیک روم، آیین تأیید رو می‌بینیم که در اون، فیضی که در تعمید

دریافت شد، دوباره تأیید میشه، زمانی، انتقال از کودکی به بلوغ اتفاق میفته و در این مقطع از انتقال که مفهوم بار میتصوا. در اسرائیل عهدعتیق رو منعکس کرده و بازتاب میده، فیض جدید اعطا میشه تا این فرزند رو برای این انتقال به مرحله‌ی جدید زندگی آماده کنه.

آیین توبه، توسط کلیسا به عنوان پایه‌ی دوم عادل شمردگی برای کسانی تعریف شده که جانشون رو تباہ می‌کنند. چند لحظه پیش گفتم شخصی که فیض نجات بخش رو در تعمید دریافت می‌کنه، این فیض می‌تونه از طریق ارتکاب گناه اخلاقی از بین بره، اما شخص می‌تونه دوباره از طریق توبه، به جایگاه فیض، احیا بشه.

آیین توبه به طور عمومی اعتراف نامیده میشه. آیین توبه، دومین منبع آیینی برای دریافت فیض عادل کننده هست که دوباره فیض مسیح در جان القا میشه و به شخص این فرصت داده میشه که به جایگاه عادل شمردگی احیا بشه. بعد آیین ازدواج هست.

البته، همه در کلیسا آیین ازدواج رو دریافت نمی‌کنند، چون همه ازدواج نمی‌کنند. اما مطابق درک کلیسای روم، ازدواج نیازمند فیض بیشتره، پس وقتی دو نفر وارد این اتحاد مقدس میشن، این اتحاد نه تنها توسط کلیسا برکت می‌یابه، بلکه فیض جدید به لحاظ آیینی هم برای زوجی که ازدواج می‌کنند، اجرا شده و اون‌ها قوت لازم رو دارند که در این رابطه‌ی متقابل زناشویی رشد کنند.

حالا، سه آیین دیگه هم هست که در فهرست هفت آیین کلیسای کاتولیک روم می‌بینیم. یکی، آیین انتصاب مقدس هست، که دوباره به همه داده نمی‌شه، بلکه مطابق چیزی هست که در کلیساها یا فرقه‌های دیگه، انتصاب می‌نامیم. که وقتی یک نفر به کشیشی ارتقا پیدا می‌کنه، آیین انتصاب مقدس یا انتصاب رو دریافت می‌کنه که حالا از این طریق به عنوان کشیش کلیسا اختیار داره فیض رو از طریق همین مجراها و ابزار آیین‌ها برای دیگران اجرا کنه.

مثلاً شخص بدون دریافت فیض انتصاب مقدس، قدرت نداره دعای تقدیس رو انجام بده که با اون در شام خداوند، عناصر نان و شراب به بدن و خون مسیح تبدیل میشن. و ما در یک درس دیگه در بررسی مفهوم شام خداوند، بهش خواهیم پرداخت. اما دوباره انتصاب مقدس، مربوط به اینه که شخص برای شبانی تقدیس میشه.

بعد آیین کلیسایی‌ای که معمولاً آیین تدهین نهایی یا آیین آخر نامیده میشه. و می‌دونید وقتی یک نفر به شدت آسیب دیده و در بستر مرگه، کشیش رو صدا می‌کنند، که میاد و برای اون شخص دعا می‌کنه و آیین آخر کلیسا رو اجرا می‌کنه. خُب، این جا دوباره، اون شخص، فیض رو در پایان زندگیش دریافت می‌کنه که او رو برای حضور در برابر تخت داوری خدا آماده می‌کنه.

اما در اصل، آیین تدهین نهایی، به عنوان آیین آخر در نظر گرفته نمی‌شد، در اصل، این بر اساس دستورالعمل‌های یعقوب در باب ۵ از کتاب یعقوب بود: "هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند ... و دعای ایمان، مریض شما را شفا خواهد بخشید." و الی آخر.

پس در واقع بر اساس این اصل بود که خادمین نزد بیماران برن و اون‌ها رو با روغن تدهین کنند. پس تدهین اینه، مسح با روغن و در اصل آیین شفا در کلیسا بود، اما با گذر زمان در تاریخ کلیسا، به آیین شفای نهایی تبدیل شد، تا جان را در حال ترک این دنیا شفا بده.

خُب، من شش مورد از هفت مورد رو ذکر کردم، موردی که هنوز ذکر نکردم، موردی هست که به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین آیین کلیسای روم مورد احترامه، و این آیین عشای ربانی یا شام خداونده که دوباره، فیض تقدیس کننده و قدرت تقویت کننده/ پرورش دهنده‌ی مسیح به کسانی منتقل میشه که اونو دریافت می‌کنند.

حالا، در رابطه با مفهوم شام خداوند و نحوه‌ی عملکردش در نظام کاتولیک روم، در درس بعدی بهش خواهیم پرداخت، اما الان فقط می‌خوام به طور گذرا بگم این یکی از هفت آیین هست. حالا، همون‌طور که قبلاً گفتم، غالباً، پروتستان‌ها، تعداد آیین‌های کلیسایی رو از هفت به دو کاهش دادند.

یکی از نوشته‌های تحریک آمیز نهضت اصلاحات پروتستان که اندکی پس از آغاز کار منتشر شد، کتابچه‌ی کوچک لوتر به نام "اسارت کلیسا توسط بابل" بود که در اون کل نظام رومی آیین‌ها رو سخت مورد انتقاد قرار داد چون دید که در این نظام آیینی که کشیش محوری نامیده میشد، این ایده وجود داشت که نجات، نه از طریق ایمان، بلکه از طریق آیین‌های کلیسایی به مردم منتقل میشد.

نه از طریق کلام و روح، بلکه عمدتاً و تقریباً به طور انحصاری از طریق اجرای آیین‌های کلیسایی منتقل میشد. پس نمایندگی انتقال نجات، در دست کلیسا بود و به طور مشخص‌تر، در دست کشیش‌ها بود. و لوتر شدیداً با طریقی که کلیسای کاتولیک روم، نظریه‌ی آیین‌های کلیسایی رو تنظیم کرده بود، و اهمیت و مرکزیت کلام خدا را کنار میزد مخالف بود.

و اصلاح طلبان سعی کردند که از نو، یک تعادل صحیح بین کلام و آیین کلیسایی برقرار کنند، با این باور که این دو باید از یکدیگر متمایز بشن، اما هرگز نباید جدا بشن. یعنی آیین‌های کلیسایی هرگز نباید بدون موعظه‌ی کلام، توزیع یا اجرا بشن.

مثلاً من در کلیسام اجازه ندارم شام خداوند رو بدون اعلام همزمان کلام خدا اجرا کنم. اما اصلاحگرها برخلاف مخالفان اساسی‌تر کلیسای کاتولیک روم بودند که می‌خواستند کلاً از آیین‌ها خلاص بشن و می‌گفتند کلیسا فقط باید کلام رو داشته باشه، نه آیین‌ها رو.

آیین‌ها فقط مراسم جادویی و غیره هستند. این دیدگاه باعث شد اصلاح‌طلبان به اون‌ها هم نه بگن و بگن: "یک لحظه صبر کنید. بعضی آیین‌ها رو مسیح، خداوند ما در کلیسا آغاز و تصویب کرد و هرگز نباید نادیده گرفته بشن. و در این مقطع، تفاوت در تعداد آیین‌ها بود.

که با نظر غالب اصلاح‌طلبان، دو آیین مقرر شد: تعمید و شام خداوند. دوباره، فرق اولیه برای هفت یا دو، بر این اساس بود که چطور چیزی واجد شرایط میشه که یک آیین نام بگیره. و برای این که اون برای اصلاح‌طلبان یک آیین بشه، باید مستقیماً و صریحاً از جانب خود مسیح آغاز میشد.

حالا، مسیح قطعاً ازدواج رو برکت داد و ازدواج، به طور گسترده، از احترام والایی در زندگی جماعت مسیحی ما برخورداره و همین‌طور انتصاب و این چیزهای دیگه برای اصلاح‌طلبان به عنوان احکام خاص کلیسایی، مهم بودند، اما به نظرشون، این‌ها نمی‌تونستند نشانه‌ها و مهرهای عهدی که آیین‌ها نامیده میشن باشند، چون مستقیماً توسط مسیح آغاز نشده و فرمان داده نشده بودند که در پرستش قوم خدا یک امر اساسی باشند.

اما عیسی به وضوح در بالاخانه، اجرای شام خداوند رو آغاز کرد و در حکم اعظم به شاگردانش فرمان داد که کسانی رو که به سوی ایمان مسیحی هدایت میشن، تعمید بدن. پس برای اصلاح‌طلبان، فقط تعمید و شام خداوند، دو آیین بودند؛ اگرچه جوانب دیگه‌ی زندگی کلیسا هنوز از اهمیت خاصی در پرستش کامل کلیسا برخورداره.

هم‌چنین، همون‌طور که قبلاً گفتم، اصلاح‌طلبان، نحوه‌ی عملکرد "اکس آپوره آپوراتو" رو رد کردند و به جای اون گفتند آیین‌های کلیسایی به عنوان "اکس آپوره آپرانتیس" عمل می‌کنند. و این تفاوت ساده در لاتین، نشون دهنده‌ی اینه که این جا می‌گفتند که ثمربخشی یا مزایایی که از آیین‌های کلیسایی جاری می‌شد، فقط برای کسانی سودمنده که اون‌ها رو با ایمان دریافت می‌کنند.

حالا باید خیلی مراقب این باشیم، چون به عنوان مثال این چیزی هست که خیلی از مباحثات رو در مورد تعمید تحریک کرد، مخصوصاً بین کسانی که در جماعت‌های بپتیست هستند و گروه‌های پروتستان دیگه، در رابطه با سؤال تعمید نوزاد، چون این سؤال ایجاد شد: "چطور یک نوزاد می‌تونه ایمان داشته باشه؟"

و چون آیین‌ها برای ثمربخشی به ایمان تکیه می‌کنن، نباید به افرادی اعطا بشه که ایمان ندارند. و ما بعداً اون رو بررسی خواهیم کرد. اما چیزی که اصلاح‌طلبان می‌گفتند این بود هرچند نوزادانی که آیین را دریافت کردند، نشانه‌ی آیین و انجام آیین، که نشانه و مهر وعده‌ی خداست، اما نکته این بود که مزایای وعده داده شده توسط این آیین کلیسایی خود به خود برای شخص اتفاق نمی‌فته.

فقط به این خاطر که تعمید گرفتید، به این معنا نیست که نجات یافتید. باید با ایمان عادل شمرده بشید. اما وقتی ایمان دارید، پس همه چیزهایی که از طریق نشانه و مهر تعمید منتقل شد، همه‌ی برکاتی که در این نشانه‌ی خاص توصیف شد، کاملاً دریافت میشه. اما نه قبل از این که ایمان باشه.

و به همین طریق، در اجرای شام خداوند، آگه بدون ایمان بیایید و بخورید و بنوشید، در خطر داوری مسیح هستید که پولس درباره‌ی اون در قرن‌تین هشدار می‌ده؛ خوردن و نوشیدن ناشایست و تحت داوری خدا قرار گرفتن، چون با ایمان، این آیین کلیسایی رو اجرا نکردید.

پس دوباره، نه سؤال درباره‌ی اعتبار، بلکه ثمربخشی آیین‌های کلیسایی برای اصلاح‌طلبان به حضور ایمان واقعی ارتباط داشت. حالا در حیات کلیسا، آیین‌ها، همون‌طور که یک لحظه پیش گفتم، به عنوان نشانه‌ها و مَهرها دیده میشن. از جهتی، ویژگی نشانه‌ای آیین کلیسایی، کلام به نمایش درآمده هست، که خدا بارها در عهدعتیق این کار رو می‌کرد.

نه تنها او کلامش رو اعلام می‌کرد، بلکه گاهی اوقات از انبیا می‌خواست کلام رو اجرا کنند، گاهی اوقات به طریق‌های عجیب. نه فقط این، بلکه مراسمی رو آغاز کرد که اهمیت نمادین داشتند، مثل ختنه.

مثل فصیح، و می‌گفت: "این‌ها را به عنوان یادگاری به جا آورید." این‌ها نشانه‌های دیدنی و بیرونی عمل کرد نادیدنی، متعال، واقعی و قدرتمند الهی هستند. پس ما به عنوان انسان، به طور طبیعی به این شکل ارتباط برقرار می‌کنیم. مثلاً درحالی که این جا ایستادم و با شما صحبت می‌کنم، فقط لبهام رو تگون نمیدم و کلمات رو نمیگم، بلکه سر و دستم رو تگون میدم و دست‌هام حرکت می‌کنند و به این طرف و اون طرف میرم.

سعی می‌کنم کلماتی رو که می‌گم، با اعمال بدنی ارتقا بدم، با حرکات بیرونی و دیدنی یا نشانه‌های نمایشی. این چیزی هست که در اجرای آیین‌ها اتفاق می‌فته. خدا با چشم‌ها، گوش‌ها، دهان ما و همه‌ی این‌ها، حقیقت کلامش رو از طریق نمایش اون توسط این نشانه‌های دیدنی منتقل می‌کنه.

اما نه تنها نشانه‌ها، بلکه آیین‌های کلیسایی رو به عنوان مَهرها هم درک می‌کنیم. و مَهر در دنیای باستان، حقانیت کلام یک نفر رو تضمین می‌کرد. آگه یک پادشاه باید حکم صادر می‌کرد، از انگشتر مَهرش استفاده می‌کرد که فرورفتگی‌هایی داشت، اونو در موم فرو می‌کرد و یک مَهر زیر حکمش میزد که مشخص می‌کرد فرمان از طرف کسی که اقتدار داره که این حکم رو صادر کنه، اومده. پس برای ما، آیین‌ها نشون دهنده‌ی مَهر خدا بر وعده‌های نجات او برای ماست. این‌ها تضمین‌های دیدنی او برای همه‌ی ایمانداران هستند در این خصوص که همه‌ی مزایایی رو که در مسیح به ما اعطا شده، دریافت خواهند کرد.